

تحلیلی بر ابعاد امر به معروف و نهی از منکر در اسلام (با تاکید بر قرآن کریم)

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ماه ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش مقاله: تیر ماه ۱۴۰۰

رمضان موسوی^۱، یاسین کمالوندی^۲

^۱ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

^۲ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

نام نویسنده مسئول:

یاسین کمالوندی

چکیده:

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام و سایر ادیان از جایگاهی بس رفیع و بلند برخوردار است، زیرا اساس نبوت پیامبران الهی بر امر به معروف و نهی از منکر بنا نهاده شده است. اگر این دو وظیفه از برنامه انبیاء برداشته شود نبوت تعطیل می‌گردد. انگیزه بعثت همه انبیاء تزکیه و تهذیب نفوس انسانها بوده و این مهم در پرتو امر به معروف و نهی از منکر حاصل می‌شود. در اسلام نیز این فریضه از جمله واجبات مهم است که اجرا یا اجرا نکردن آن تأثیر عمیق و گسترده‌ای بر تمام ابعاد جامعه دارد. این فریضه در اسلام، دارای شروط و مراتبی است. هدف شارع از جعل این مهم، تحقق معروف و زدودن منکر است. بنابراین، بر هر یک از افراد، اعم از دولت و ملت، لازم است برای تحقق این امر، با توجه به شرایط و مراتب آن، تدابیر و اقدامات لازم را اعمال کنند. در حقیقت جامعه سالم، جامعه‌ای است که در آن زمینه رشد و تعالی به سوی تعالی مطلق فراهم است و یکی از این زمینه‌ها وجود فضای پاک و عاری از آلودگی هاست که با نظارت همگانی درست و اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر تحقق خواهد یافت. نهادینه شدن امر به معروف و نهی از منکر، سعادت و سلامت جامعه را در تمامی ابعاد آن موجب می‌شود. نوع روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است.

کلمات کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، اسلام، حکومت اسلامی، قرآن کریم

مقدمه

معروف و منکر از جمله اموری است که همواره مورد توجه شریعت قرار داشته و بر هیچ اندیشمندی جایگاه و نقش کلیدی آن، به منظور تحقق احکام و فرامین الهی پنهان و پوشیده نمی باشد. امر به معروف و نهی از منکر از پایه های اساسی و بنیادین اسلام به شمار می آید که اگر به درستی در جامعه اجرا شود آثار و برکات زیادی در پی دارد؛ همچون انجام واجبات، ایجاد امنیت، و برطرف شدن مفاسد در جامعه. وجود این آثار به دلیل تأثیر و اهمیت اجرای این نهاد در جامعه است؛ زیرا با عمل به این واجب سایر احکام الهی احیا و اجرا می گردد. اجرای این امر در جامعه اسلامی، یک وظیفه اجتماعی محسوب می شود که براساس آن، هرکس وظیفه دارد در حد توانایی خود، به انجام آن اقدام کند. اما اجرای این عمل به صورت های گوناگون صورت می گیرد؛ از قبیل امر و نهی دولت بر مردم، مردم بر دولت و مردم بر مردم. از آن رو که در بسیاری از مبانی فقهی و حقوقی، شارع و قانون گذار، متولی این امر را عموم افراد و گاهی گروه خاصی قرار داده است، همین سبب وجود برخی اختلافات گردیده، و حال آنکه اجرای این امر از سوی هریک از این دو نهاد نیز مستلزم رعایت احکام و مراتب وارد شده در باب امر به معروف و نهی از منکر است. مشخص نبودن دقیق این محدوده از سوی آنها سبب اختلافاتی در این زمینه شده است.

بر مبنای استناد به ادله شرعی مذکور، تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر لازم است (منتظری، ۱۴۰۹: ۲۲۷). هر چند ضرورت این امر در همه اعصار بر همه روشن است، اما فقهای شیعه در باب امر به معروف و نهی از منکر، کمتر از تفکیک این وظیفه توسط دولت یا ملت به طور مطلق سخن گفته اند. البته فقها بیشتر، موضوع عینی یا کفایی بودن امر به معروف و نهی از منکر را متذکر شده اند که به نظر می رسد همین امر تا حدی مبنای جایگاه عام و خاص بودن این وظیفه را نشان می دهد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۶۰). اما در خصوص واگذار کردن مرحله اجرایی حدود امر به معروف و نهی از منکر به امام و حکومت، ادعای اجماع شده است.

با توجه به نقشی که امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه و فرد دارد ضرورت طرح بحث از این دو واجب بزرگ الهی بر کسی پوشیده نیست اگر این حقیقت را باور کنیم که امر به معروف باعث احیاء دین و ضامن اجرای قوانین و دستورات اسلام است لازم است با طرح این مباحث مردم را به این وظیفه مهم آشنا کرد. متأسفانه باید اعتراف کرد در اثر کوتاهی نخبگان حوزه و دانشگاه در طرح و تبیین این مباحث هنوز بسیاری از افراد از مسائل ابتدایی امر به معروف و نهی از منکر بی اطلاعند. بسیاری از مردم توجه ندارند که امر به معروف نیز همانند نماز و روزه بر آنان واجب است و بر فردی که به سن تکلیف می رسد هم زمان با وجوب نماز و روزه امر به معروف و نهی از منکر نیز بر او واجب می گردد. از این رو زیننده است همه دانشمندان از نویسندگان و گویندگان در تبیین مباحث این دو دستور مهم الهی کوشش کنند و افراد جامعه را نسبت به مسائل امر به معروف و اهمیت آن آگاه سازند. بدیهی است برای تشویق دیگران بر امر به معروف و نهی از منکر نخست باید اهمیت این دو همچنین شرایط و سایر خصوصیات آنها برای مردم بیان گردد تا با آگاهی کامل به این وظیفه مهم اقدام کنند زیرا شرط موفقیت در هر کاری آگاهی و بینش کافی نسبت به آن کار است در غیر این صورت انسان به هدف نمی رسد بلکه چه بسا از هدف و مقصد دور گردد.

امر به معروف و نهی از منکر در لغت و اصطلاح

معروف در لغت، به معنای شناخته شده، و منکر به معنای ناشناس است. در اصطلاح، به کارهایی معروف گفته می شود که به حکم شرع یا عقل، نیک شمرده می شود، چه واجب باشند، چه مستحب. کارهای زشت و ناپسند، چه حرام و چه مکروه، نزد فطرت پاک آدمی از امور ناشناس به شمار می آیند (منتظری، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲۱). معنای دیگر: واداشتن به نیکی و بازداشتن از بدی (هاشمی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۶۶۰). مراد فقها از امر و نهی، مطلق برانگیختن کسی بر انجام یا ترک چیزی است، خواه به گفتار یا کردار.

شروط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم بارها مسئله امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک وظیفه ویژه برای جامعه اسلامی بیان کرده است. در نظام اعتقادی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر جایگاه خاصی دارد و مترتب بر احکام و شروطی است که بدون فهم آنها، نمی توان به تفکیک جایگاه این نهاد در عرصه های متقابل دولت و ملت بر همدیگر پرداخت. در ذیل، به اختصار، این شروط ذکر می شود:

در باب امر به معروف و نهی از منکر، اکتفا کردن به مطلق وجوب کافی نیست، بلکه باید به احکام و شروط مترتب بر آن نیز توجه کرد. در میان فقیهان و عالمان دین، معروف است که امر به معروف و نهی از منکر مشروط به چند شرط است و بدون آنها، این عمل واجب

به شمار نمی آید. از آن رو که این فریضه ناظر به مصالح عمومی جامعه است، اهمیت این شروط آشکارتر می‌گردد. غالباً برای این واجب چهار شرط برمی‌شمارند: ۱. شناخت معروف و منکر؛ ۲. احتمال تأثیر؛ ۳. اصرار بر ادامه منکر و ترک معروف؛ ۴. مفسده انگیز نبودن اجرای آن (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۳۷).

علاوه بر این، شرط دیگری نیز وجود دارد که اگرچه به صراحت در شروط مذکور نیامده، اما وجود آن در کنار این شروط لازم است. لازم به ذکر است که مؤید این شرط احادیث و فتاوی بعضی از مفسران و فقهاست. حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۲۹ نهج البلاغه در این باره می‌فرماید: نفرین بر آنان که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و خود مرتکب آن می‌شوند (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰). یکی از فقها در این باره می‌گوید:

آری، از بزرگ ترین افراد امر به معروف و نهی از منکر و والاترین و مؤثرترین آنها، خصوصاً نسبت به زعیمان دینی، این است که جامعه کار نیک ببوشند و در کارهای خیر، از واجب و مستحب، پیش قدم باشند و جامعه زشت کاری را از اندام خود دور کنند و نفس خویش را به اخلاق عالی تکمیل، و از اخلاق زشت پاک سازند که این خود سبب مؤثر و کاملی است تا مردم به معروف گرایش پیدا کرده و از منکر دوری گزینند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۸۲ و ۳۸۳).

هر یک از این شروط نیازمند بحث و بررسی جداگانه ای است، اما پیش آن، باید به یک شبهه جواب داد و آن مفسده انگیز نبودن در شرط چهارم است؛ چراکه در صورت قابل بودن به این شرط، امر به معروف و نهی از منکر به صورت مطلق واجب نخواهد بود. بنابراین، شرط مزبور مورد قبول واقع نمی‌شود و مؤید این قول - همانند سخن پیشین - قرآن، روایت، سخنان مفسران و نظر فقهاست.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مائده می‌گوید: جمعی از مفسران گذشته گفته‌اند: مفاد آیه، تریخ و تجویز ترک دعوت دینی و تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر است، و گفته‌اند: آیه مختص زمان و حالی است که شرط دعوت و امر به معروف و نهی از منکر، که همان ایمنی از ضرر است، موجود نباشد. اما علامه، خود این قول را قبول ندارد و در رد این نظر می‌گوید: این معنایی است که بعضی از مفسران سلف برای آیه کرده‌اند، اما معنایی است بسیار بعید، و سیاق آیه به هیچ وجه با آن سازگار نیست؛ زیرا لسان آیه لسان مخصص عمومات امر به معروف و نهی از منکر نیست، ناسخ هم نمی‌تواند باشد. ممکن هم هست آیه را به خطاب اجتماعی حمل نموده، بگوییم: روی سخن در جمله یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مجتمع مؤمنان است و در نتیجه، مراد از اینکه فرمود: عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ اصلاح اجتماعی جامعه اسلامی و مهندسی به هدایت الهی و معارف دینی شدن و عمل صالح و حفظ شعائر عامه اسلامی است. امر به معروف و نهی از منکر قابل نسخ نیستند. ایشان در تفسیر این آیه، اضافه می‌کند: پس بر هر مؤمنی واجب است که مردم را با بصیرت تمام، به سوی خدا دعوت کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۶۹).

در کتاب سنن ابی داود، روایتی در تفسیر این آیه وارد شده است که نه تنها این امر را مخالف با وارد شدن ضرر نمی‌داند، بلکه آن را یک امر ضروری می‌داند، حتی اگر موجب ورود ضرر شود: رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می‌فرمایند: ای مردم، شما آیه شریفه عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ، لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ را می‌خوانید، ولی درست معنا نمی‌کنید. آنگاه فرمودند: اگر مردم ستمگری را مشاهده کنند و دست او را از ستمگری بازگیرند دور نیست که خداوند همه آنان را به عذاب فراگیرد. همچنین فرمودند: در بین هیچ قومی معصیتی صورت نمی‌گیرد که آنان قادر باشند از آن جلوگیری کنند و جلوگیری نمی‌کنند مگر اینکه خداوند همه آنان را به عذاب گرفتار می‌کند (سجستانی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۳).

پس آنچه از این آیه و روایت فهمیده می‌شود بیانگر آن است که ضرر، چه از جانب مردم و چه از جانب دولت باشد، نافی امر و نهی نیست.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

هدف از امر به معروف و نهی از منکر، مؤثر بودن آن است، و مقصود آن است که با اجرای این فریضه، مردم از منکرها باز ایستند و به معروفها روی آورند. پس لازم است به مراتب آن به دقت توجه شود. اکثر قریب به اتفاق فقها بر آنند که مراتب این واجب قلبی، زبانی و عملی است و امر و ناهی باید به ترتیب از این سه مرحله بگذرند (محقق حلی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵).

هر یک از این مراتب، خود دارای مراحل است و باید گفت: مرحله اول و دوم این امر بر عموم مردم، اعم از حاکم و غیر حاکم واجب است. اما مرحله سوم که همان مرحله عملی است و نیازمند تدبیر، قدرت و رعایت شروط و مراتب، بر عهده حکومت است. مؤید این قول نظر فقهاست که می‌گویند: امر و نهی در صورت منجر شدن به جرح و قتل، باید امام یا نایب او آن را انجام دهد یا اینکه با اذن او باشد (طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۴۱).

یکی از فقها در این زمینه می گوید: البته این دو فریضه بزرگ الهی مراتب گوناگونی دارد که برخی از آن مراتب عمومیت ندارد و اجرای آن تنها در اختیار حاکم شرع است، و آن اموری است که مربوط به مجازات های بدنی، اعم از شلاق و تازیانه، و در بعضی موارد، قتل می شود. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر گستره وسیعی دارد که شامل تعزیرات نیز می گردد. به عبارت دیگر، تعزیرات از زیرمجموعه های این دو فریضه مهم اسلامی به شمار می رود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۸ و ۳۹). مقام معظم رهبری در این زمینه می گویند: امر به معروف یک مرحله گفتن و یک مرحله عمل دارد. مرحله عمل یعنی: اقدام با دست و بازو. این مرحله امروز به عهده حکومت است و باید با اجازه حکومت انجام بگیرد و لا غیر (خامنه ای، سخنرانی، ۱۹ دی ماه ۱۳۶۸).

شهید مطهری در خصوص مرحله عملی می گوید: عامه حق ندارند از پیش خود دست به این گونه کارها بزنند. این مرتبه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه حاکم شرعی و یا کسی است که از طرف حاکم شرعی اجازه و دستور این کار را داشته باشد. اگر به عامه مردم اجازه این کارها داده شود مستلزم هرج و مرج در اجتماع می شود (مطهری، بی تا، ج ۲۰، ص ۱۹۱).
از مطالب گفته شده به دست می آید که مرحله اول و دوم امر به معروف و نهی از منکر بر همه افراد واجب است، اما مرحله عملی بر عهده دولت و حکومت اسلامی است. در ادامه بحث، به جایگاه هر دو مرحله پرداخته خواهد شد.

متوالی امر به معروف و نهی از منکر از منظرهای گوناگون

در این باره که آیا امر به معروف و نهی از منکر وظیفه فردی است یا دولتی، و اینکه آیا مخاطب این امر دولت است یا افراد، اختلاف نظر است. عده ای معتقدند این امر متوجه دولت است. ابن اخوه (قریشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵)، شیزری (شیزری، ۱۳۶۵، ص ۵) و ماوردی (ماوردی، ۱۹۰۸م، ص ۲۴۰) این نظر را دارند. برخی مانند خوارج، به فردی بودن این امر قایلند (لمبتون، ۱۳۶۶، ص ۴۸۴). برخی دیگر مانند غزالی (غزالی، ۱۳۵۲، ص ۳۹۹) از اهل سنت و همچنین سیدبهر العلوم (بحر العلوم، ۱۳۶۲، ص ۲۹۶) از شیعیان قایلند به اینکه براساس قرآن کریم، به اذن حکومت نیازی نیست. اما با وجود همه این نظرات، نظر دیگری هم وجود دارد که می گوید: این امر میان همه اعضای جامعه نسبت به یکدیگر مشترک است (صرامی، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

در خصوص تفکیک یا جمع این نظریه ها می توان گفت: اینها قابل جمع هستند؛ چراکه آیات و روایات وارد شده به دو دسته تقسیم می شود: دسته ای بیانگر فردی بودن امر به معروف و نهی از منکر است. دسته ای دیگر دلالت دارد بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر باید از سوی حکومت و افراد خاصی انجام شود. این قول تا حدی می تواند مؤید قول چهارم مبنی بر مشترک این امر باشد.

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از جمله اموری است که صرفاً در حوزه «تکالیف بشری» قرار دارد. توضیح آنکه: هدایت انسان، علاوه بر امتیازات فطری و عقلی که در خلقت او نهاده شده است، نیازمند «تشریح الهی» است. از این رو حق تعالی لطف خود را با «قلم تکوین» و با «قلم تشریح» به انسان عرضه کرده و راه سعادت را به روی او گشوده است. پس از مرحله «تقنین الهی»، نوبت به «اجرای بشر» می رسد. در این مرحله، انسانها باید به انجام وظایف خود مبادرت نمایند. تفاوت این دو مرحله آن است که در مرحله نخست، تقنین جنبه «کلی و عام» دارد و قانون خداوند، وظیفه همه انسانها را مشخص می کند، ولی در مرحله بعد، اجرا «جنبه جزئی و خاص» پیدا می کند و همان گونه که نماز، روزه، حج و زکات، رفتاری است که باید در شرایط زمانی خاصی، از سوی افرادی که دارای ویژگیهای خاصی هستند صادر شود، نهی از منکر نیز اقدامی است که بر مبنای «شرایط خاص» صورت می گیرد، «مخاطب خاص» دارد، و با توجه به خصلتهای مخاطب، شیوه خاصی برای آن مشخص می گردد. نهی از منکر، در جایی معقول است که ناهی از منکر، به شکل جزئی و موردی با افراد ارتباط برقرار می کند (سروش، ۱۳۸۱: ۴۹-۴۸).

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان اصلی ترین مولفه ی اصلاح امور، مسئولیت همگانی و متقابل در جامعه اسلامی است و احیای روح امر به معروف و نهی از منکر ضامن سعادت و پیشرفت و توسعه و ترقی و تکامل و فلاح است. نهی از منکر زبانی، گسترده ترین و فراگیرترین مرحله مراحل سه گانه آن است. بسیاری از آفات در کارنامه جامعه نهی از منکر، ارتباط با زبان دارد (جوهری، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۲).

بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، نقش های فراوانی دارد مثل نگرهبانی از سایر احکام، کامل کننده امور و سنگ پایانی دستورات الهی، رمز رستگاری انسان و جامعه، آینه دار خداوند که صفات خدا را در وجود انسان می تاباند؛ زیرا خداوند نخستین نهی کننده از منکر است. نجات معنوی و اخلاقی جامعه در پرتوی نهی از منکر است. راههای عملی کردن امر به معروف و نهی از منکر جهت امنیت اخلاقی و رشد معنوی جامعه، با ایجاد تشکل نهی از منکر، ایجاد تبیین ارزش و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر و... است.

این مهم، براساس فتاویٰ فقها که برگرفته از روایات اهل بیت (ع) است، در سه مرحله «قلبی»، «زبانی» و «عملی» صورت می‌پذیرد. هر یک از این مراحل سه گانه به نوبه خود، دارای مراتبی است که امر و نهی کنندگان باید ترتیب این مراتب را در هر مرحله رعایت کنند. در اولین مرحله، امر و نهی کننده باید انزجار قلبی‌اش را به مخاطب بفهماند که باید معروف را انجام دهد و منکر را ترک کند. نشان دادن انزجار قلبی درجاتی دارد، از جمله چشم فرو بستن، چهره در هم کشیدن، چهره یا بدن را برگرداندن و ترک مرآده و قهر کردن (جوان آراسته، ۱۳۹۰: ۲۶۶). در واقع، امر و نهی کننده باید کاری کند که نشانگر انزجار قلبی‌اش نسبت به منکر و یا ترک معروف باشد و به مخاطب بفهماند که باید معروف را انجام دهد یا منکر را ترک کند (جوان آراسته، ۱۳۹۱: ۱۹). البته حضرت امام خمینی در تحریر الوسیله، اظهار می‌دارد: در هر مرتبه، واجب است به درجه پایین تر آن اکتفاء کند و آسان تر آن را انجام دهد؛ به ویژه در صورتی که انجام مرتبه شدیدتر، موجب هتک حرمت طرف مقابل شود، در این صورت، تجاوز از مقدار لازم جایز نیست، مثلاً اگر احتمال دهد که تنها با بستن چشمانش مطلوب حاصل می‌شود، انجام مرتبه بالاتر جایز نیست (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۴۷۶، مسأله ۱).

در مرحله دوم، نوبت به «امر و نهی زبانی» می‌رسد. در برخی از موارد، فرد متخلف یا گناهکار که در واقع بیمار است. رعایت ترتیب مراحل سه گانه «انکار قلبی»، «انکار زبانی» و «انکار عملی»، به نوع افراد و مخاطبان بستگی دارد، اما اگر با مخاطبی رو به رو شویم که تأثیرپذیری وی از مرحله دوم (انکار زبانی) بیش از مرحله اول (انکار قلبی) است، درباره او باید از مراتب زبانی شروع کرد. اگر در بعضی از مراتب نهی زبانی (مرحله دوم) اهانت و ایذای کمتری نسبت به مراتب انکار قلبی (مرحله اول) وجود دارد و غرض به همان اندازه حاصل می‌شود، واجب است نهی زبانی مقدم گردد و به مقدار لازم اکتفا شود (جوان آراسته، ۱۳۹۰: ۲۶۸-۲۶۷).

مرحله سوم، مرحله اعمال قدرت است. گرچه تأثیر مثبت امر و نهی قلبی و زبانی بر بیشتر افراد خاطی، انکار نمی‌شود، گاه مجرم و تبهکاری رو به رو هستیم که نهی از منکر رو به رو هستیم که نهی از منکر قلبی و زبانی تأثیری در وی ندارد و او همچنان به کار ناشایست خویش ادامه می‌دهد (جوان آراسته، ۱۳۹۰: ۲۶۸).

در واقع، از دیدگاه اندیشمندان مختلف، وجود مراحل سه گانه فوق باعث می‌شود تأثیرات نهی از منکر در جامعه عمیق تر و بهتر باشد. نهی از منکر به عنوان مکانیزم کنترل و نظارت همگانی در اسلام مورد توجه در حاکمیت اسلام مطرح شده تا بتواند اصلاحات درونی و بیرونی را در جامعه حکفرما سازد. نهی از منکر به عنوان اصل نظارت عمومی یا ضمانت اجرایی قوانین اسلام مطرح است و خداوند نظارت بر حسن اجرای احکام الهی را برعهده فرد فرد جامعه اسلامی از هر قشری نهاده است. از این رو هر فرد و گروهی همواره چشمان بیدار امت اسلامی را مراقب خویش دانسته و تلاش می‌کند حتی الامکان قوانین اسلامی را رعایت نموده و زیر پا نگذارد. هر جامعه‌ای برای پویایی خویش نیازمند آرامش و امنیت از داخل و خارج است و از مهم ترین آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر ایجاد امنیت اجتماعی است و سایر آثار اجتماعی این فریضه مثل بقای جامعه، وحدت، اجرای احکام، آبادانی و سازندگی به دنبال برقراری امنیت ایجاد می‌شود.

برخی از فقیهان بر این باورند که چون با وجود حکومت اسلامی، امکان ارجاع مراتب مربوط به امر و نهی عملی به نیروهای انتظامی و قضایی وجود دارد، وظیفه آمران و ناهیان، فقط امر و نهی زبانی می‌باشد؛ به ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر، مستلزم تصرف در اموال انجام دهنده منکر یا تعزیر یا زندانی کردن وی و نظایر اینها باشد. آری! در زمان یا مکانی که حکومت اسلامی، اقتداری ندارد بر مکلفان - در صورت وجود شرایط - انجام مرحله به مرحله نهی از منکر، واجب بوده و در هر مرحله باید رعایت مراتب، صورت گیرد. از آنجا که معروفها و منکرها در بسیاری از موارد، بعد اجتماعی دارند در زمان حکومت اسلامی، رأی فقهی فقیه‌ای که ولایت و امامت امت در اختیار اوست، بر رأی فقهی سایر فقیهان در صورت تعارض، مقدم می‌باشد. بدین ترتیب، حتی اگر فرض شود که در همین زمان فقهی نهی از منکر عملی را با مراتب آن جایز بدانند در خصوص معروف و منکرهای اجتماعی، این فتوا نمی‌تواند - حتی برای مقلدان وی - مبنای عمل قرار گیرد (جوان آراسته، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۳).

آثار و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از موضوعات مهم دینی است. و ارتباط مستقیم با رشد مصالح و دفع مفاسد اجتماعی دارد. این فریضه الهی در اسلام، ابزار مؤثر اصلاح اجتماع و وسیله کاربردی در تهذیب و حیات طیبه بشر به شمار می‌رود. در این میان رمز حیاتی اجرای صحیح این سنت الهی و عقلایی، استفاده از راهکار قوی مکارم اخلاقی است (قاسمیان المشیری، ۱۳۸۹: ۵۱).

بنابراین، این پدیده را می‌توان یکی از مصادیق جامعیت، جاودانگی و پویایی دین اسلام دانست. این گونه آموزه‌ها برای تحقق کامل شریعت و تطابق جامعه انسانی با هدف خلقت و نزول وحی، ضروری و اصولی است. با توجه به این امر، شناخت امر به معروف و نهی از منکر و آثار آن در جامعه انسانی از ابعاد مختلف قابل بررسی است.

امر به معروف و نهی از منکر، همه منظومه فکری جامع اسلام در عرصه باورها، در جنبه‌های گوناگون فکری، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی، مدیریتی و عرصه‌های خدماتی و عرصه‌های مختلف مربوط به نهادها، مانند نهاد خانواده، بازار، اقتصاد، دولت، رسانه، نهادهای مذهبی مثل مسجد و مناسک و اقشار گوناگون جامعه مثل زنان، مردان، جوانان، دانشگاهیان، حوزویان، کارمندان، کارگران و معلمان را در بر می‌گیرد. در واقع، نهی از منکر ضمانت اجرای اسلام در عرصه‌های مختلف است (کعبی، گفتگوی علمی، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۶). می‌توان گفت که امر به معروف و نهی از منکر با باور به توحید و خدامحوری، نگرش انسان را به هستی و خود و هر چه در دایره خلقت هست، تغییر می‌دهد و فهم و عمل او را مقید به معرفت می‌کند.

عقل، این ودیعه الهی نزد انسان‌ها که ملاک و ابزار اصلی راه‌یابی و وصول انسان‌ها به هدایت و شناخت است، با معیار امر به معروف و نهی از منکر سنجیده می‌شود و چنانچه کسی این دو خصوصیت را نداشته باشد، باید حکم کرد که فاقد عقل است و یا این که عقلش معیوب است. چه ارزش و مقامی بالاتر از این که به امر به معروف و نهی از منکر معیار سنجش عقل سالم از عقل ناسالم می‌باشد (منصوری، ۱۳۸۰: ۳۸).

در واقع همان گونه که مشخص است، وجود معیار عقل، باعث می‌شود امر به معروف و نهی از منکر مانند ناظر و اهرم، جامعه را از انحراف، عدم تعادل و خمودی بازمی‌دارد و با هدایت آن، سلامت همگان را تضمین می‌کند. شاید به جهت همین ضرورت است که مقوله امر به معروف و نهی از منکر، در احادیث و اخبار وارده از پیشوایان معصوم، با عبارت مصلحت همراه با خیر (مطلق) آمده و آن را یکی از اقسام جهاد دانسته‌اند.

امر به معروف و نهی از منکر در جهت اصلاح امور، بر پایه دو رکن اساسی قرار دارد: اول) مسئولیت: انسانها در زندگی اجتماعی، مانند مسافرانی اند که در کشتی اند. پیامبر اکرم در تبیین فلسفه نهی از منکر فرموده است: گروهی در یک کشتی سوار می‌شوند؛ هر کس در جای خویش می‌نشیند؛ یکی از مسافران جای خود را سوراخ می‌کند و در پاسخ به اعتراض دیگران می‌گوید: جای من است و هر چه بخواهم انجام می‌دهم! اگر مسافران همانجا دست او را گرفته و مانع شوند، همگی نجات می‌یابند و اگر چنین نکنند همگی به هلاکت می‌رسند. دوم) نظارت: نظارت به معنای مراقبت و زیر نظر داشتن است؛ عملی است که به منظور آگاهی از عملکرد نظارت شونده و جلوگیری از انحراف و اشتباه یا تضییع حقوق، آشکارا یا مخفیانه به شیوه‌های مختلف صورت می‌پذیرد. نظارت عامدانه می‌باشد و به همین جهت اقدامات تصادفی را نمی‌توان نظارت نام نهاد (جوان آراسته، ۱۳۹۴: ۵۴).

بنابراین وجود دو رکن مسئولیت و نظارت در امر به معروف و نهی از منکر سبب بقاء جامعه و اصلاح می‌شود و آثار و نتایج آن همواره در حوزه اجتماعی-سیاسی محسوس و قابل استفاده است. در پرتو امر به معروف و نهی از منکر، آثار منفی عوامل آلوده‌کننده در فضای اجتماع و آثار نامطلوب آن از بین خواهد رفت و جامعه، قابلیت اصلاح و تکامل می‌یابد.

اگر فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را «گرایش مردم به انجام نیکی‌ها» و «روگردانی آنان از منکرات» بدانیم، چنین تقاضا می‌کند که وجوب آن اختصاص به گناهان نداشته باشد؛ زیرا خداوند، نه تنها راضی به «شیوع گناه در جامعه» نیست، بلکه از «ارتکاب و ابتلای بندگان به گناه» هم ناخوشود است. از این رو، هدف از تشریح این فریضه که نوعی نظارت همگانی است، جلوگیری از آلوده شدن مردم به گناه بوده است. بنابراین، خداوند متعال با تشریح آن، زمینه‌های عبودیت و بندگی مردم را فراهم کرده است (ورعی، ۱۳۹۱: ۸۹).

با توجه به این امر، می‌توان گفت که در پرتو تبعیت از اوامر و نواهی الهی و پای‌بندی به آن شریعت استوار می‌گردد و حدود الهی در جامعه ایمانی اجرا می‌شود. از این رو باید گفت جایگاه نهی از منکر در اسلام، به عنوان یک تکلیف ایمانی است که با استفاده از آموزه‌های دینی؛ راه روشن شریعت، مسیر پرهیزگاری و غایت دین به شمار می‌رود.

باید گفت که ظهور امر به معروف و نهی از منکر و وجود نظارت‌های راهبردی و اصلاحی، نتیجه دعوت به حق و احساس مسئولیت و اراده انسان در تعیین سرنوشت خود است. به واسطه این اراده و حق‌مداری خلاقیت‌های فرهنگی و تمدنی تجلی یافته و مطابق با وعده الهی، نعمات و برکات فرود می‌آید، عمران و آبادانی در همه ابعاد حیات اجتماعی و فردی ایجاد می‌شود. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، دو واجب دینی و در زمره فروع دینی اند. دیگران را به کار نیک دعوت کردن و از کار بد بازداشتن، از مسئولیت پذیری انسان سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا در اسلام هیچ کس بدون مسئولیت نیست؛ چرا که راه فرد از درون جامعه میگذرد.

از مباحث فوق مشخص می‌شود که هر مسلمانی مکلف است که امر به معروف و نهی از منکر کند و نهی او منحصر و محدود به افراد خاصی نیست، بلکه همه سطوح جامعه و حتی حاکمان را دربرمی‌گیرد. مسئله امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با حاکمان در سنت دینی ما غالباً تحت عنوان نصیحت ائمه مسلمین «آمده است و نویسندگان درباره اهمیت، شیوه و آداب آن بحث‌ها کرده‌اند. گوهر این بحث‌ها آن است که هر مسلمان مجاز و بلکه موظف است که حاکمان را خالصانه نهی از منکر کند و این فریضه محدود و منحصر به محکومان نیست، بلکه از حقوق پیشین یکایک مسلمانان است.

امر به معروف و نهی از منکر در سیره و حدیث ائمه (ع)

ائمه علیهم السلام پیوسته در دو بعد علمی و عملی بر انجام امر به معروف و نهی از منکر تأکید کردند:

(الف) بعد علمی (بعد شناختی)

منظور از این بعد، تبیین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در معارف اسلامی و بیان ضوابط و مراتب مختلف آن است. روایات فراوانی در این زمینه از آنان به ما رسیده است. به عنوان نمونه شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه، بیش از هفتصد روایت، از ائمه در این باره نقل کرده است. این تعداد روایات، غیر از روایاتی است که محدث جستجوگر میرزا حسین نوری در «مستدرک الوسائل» جمع‌آوری کرده است.

مجموعه روایات ائمه درباره نهی از منکر، گنجینه ارزشمندی است که راه اجتهاد و استنباط را در طول تاریخ بر اهل نظر می‌گشاید و زوایای گوناگون این مسئله از دیدگاه فقه، اخلاق، تفسیر و... در اختیارشان قرار می‌دهد.

با طرح همه جانبه بحث امر به معروف و نهی از منکر از سوی ائمه (ع)، در دوران ۲۵۰ ساله امامت (بعد از وفات پیامبر (ص)) تا شروع غیبت صغری، از یک سو موضوع حیاتی، زنده نگاه داشته شد، و از سوی دیگر با تبیین بخش‌های گوناگون آن با تحلیل‌های عمیق و اصیل عرضه شده، تحریف‌گران نتوانستند در آن انحرافی به وجود آورند.

(ب) بعد عملی

امامان شیعه، علاوه بر تحلیل علمی و ارائه مباحث نهی از منکر، در سیره خویش نیز اهتمام فراوان به این اصل سرنوشت‌ساز و حساس داشتند. در اینجا به عنوان نمونه، به مواردی اشاره می‌شود:

۱- جنگ مسلحانه برای اقامه معروف و بازداشتن از منکر: موقعیت مبارزه مستقیم، به شکل نبرد مسلحانه در میدان جنگ با دشمن، در دوران امامت ائمه (ع) تنها برای حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) پیش آمد، و در هر دو مقطع تاریخی، «نهی از منکر» اصلی‌ترین عامل مبارزه از سوی پیشوایان معصوم بود.

در جنگ صفین، فردی خدمت حضرت علی (ع) رسید و تقاضای مصالحه کرد تا معاویه و یارانش به شام برگردند و حضرت نیز به همراه سپاهیان خود، به عراق برگردد. امام علی (ع) ضمن رد این پیشنهاد، علت اصرار خود را بر مبارزه، اقامه «نهی از منکر» ذکر کرد:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَرْضَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ أَنْ يُعْصَ فِي الْأَرْضِ وَهُمْ سُكُوتٌ مُذْعِنُونَ لَا يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَوَجَدْتُ الْقِتَالَ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مُعَالَجَةِ الْأَغْلَالِ فِي جَهَنَّمَ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ج ۶: ۲۵۵).

خداوند از اولیای خود راضی نیست که در هنگام گناه در روی زمین، آنها ببینند و بدانند و ساکت باشند و نهی از منکر نکنند. از این جهت جنگ را بر خودم آسان‌تر از تحمل غل‌های جهنم یافتم.

این بیان، علاوه بر آن که فلسفه جهاد را از دیدگاه آن حضرت تشریح می‌کند، نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر از چه جایگاه والایی در نظر ایشان برخوردار است که به واسطه آن، تمام مشکلات و حتی کشته شدن را باید تحمل کرد و در هیچ شرایطی نباید به ترک آن رضایت داد، که نتیجه ترک آن، گرفتاری در غل‌های جهنم خواهد بود.

۲- برخورد با بستگان به دستگاه حکومت ظلم: نهی از منکر ائمه (ع) بیش از آنکه به موارد جزئی، و در شکل تذکر به برخی از اصحاب و یاران خود، خلاصه شود، بلکه آنان، حساس‌ترین و مهمترین نقاطی را که باعث فساد در جامعه و انحراف در دین می‌شد، برای «نهی از منکر» انتخاب می‌کردند.

۳- حمایت از قیام‌ها و نهضت‌هایی که برای نهی از منکر انجام می‌گرفت: نمونه این گونه حرکت‌های انقلابی، قیام زید بن علی بن الحسین (ع) که از علمای بزرگ، فلسفه قیامش را نهی از منکر دانسته‌اند.

امر به معروف و نهی از منکر در نهج البلاغه

حضرت علی - علیه السلام - اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را در مقایسه با جهاد در راه خدا این گونه بیان می‌فرماید: «مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلِّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّي» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). همه اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با نهی از منکر مثل قطره در مقابل دریاست. بنابراین، از نظر آن حضرت ارزش و فضیلت نهی از منکر نه تنها از هر عمل و فریضه دینی دیگر بالاتر و برتر است، بلکه چنانچه همه اعمال دیگر را در یک کفه ترازو قرار دهند و نهی از منکر را در کفه دیگر، وزن کفه مربوط به نهی از منکر از منکر سنگین تر خواهد بود. این امر به دلیل تاثیرگذاری نهی از منکر در اصلاح امور جامعه در ابعاد مختلف است. در این مقایسه و موازنه، ارزش و مقدار همه اعمال نیک در مقابل یکی از آنها که نهی از منکر است، به طور خارق‌العاده‌ای سبک تر و پایین تر است؛ زیرا نسبت میان آنها، مانند نسبت قطره آب است در مقابل دریا.

بنابراین، اصلاً شأن امر به معروف و نهی از منکر شأن احیای واجبات دیگر و ازاله و ریشه کن کردن محرمات است. این شأن مختص این دو واجب است و هیچ واجب دیگری چنین خصوصیت و نقشی ندارد. البته سایر فرایض به طور غیرمستقیم ممکن است در انجام دادن واجبات و ترک محرمات نقش داشته باشند، اما ایفای نقش مستقیم در این زمینه از اختصاصات نهی از منکر است (مولوی، ۱۳۹۵: ۶۰).

از نظر امام سبقت گیری در نهی از منکر روش صحیح رقابت در زندگی است و امور سریعتر اصلاح می یابد و از این رو، مردم را به انجام دادن این فرضیه تشویق می کند. آن هنگام که مردم مصر در مقابل ستم، فساد و تباهی ایستادگی و از رهبران خود درخواست کردند که احکام الهی را رعایت و از ستم خودداری کنند، این کار آنها - که مصداق کامل نهی از منکر بود - موجب خشنودی امام علی علیه السلام شد. از این رو، آن حضرت هنگامی که مالک اشتر را به عنوان استاندار مصر به آن سرزمین فرستادند، طی نامه‌ای از کار آنها قدردانی کردند (مولوی، ۱۳۹۵: ۶۲).

به طور کلی، اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح امور چنان است که امام علی، نهی از منکر را «افضل اعمال لق»، «غایت دین»، «قوام شریعت»، «صفت خداوند» و «بالا تر از همه اعمال نیک و جهاد در راه خداوند» معرفی می نماید که همگی دلالت بر فضیلت این فریضه دارد. از سوی دیگر، در خصوص آثار و برکات این دو فریضه فرمود که امر به معروف در زمره «اهل معروف» قرار می گیرد و به مؤمنان پشت گرمی می دهد. ناهی از منکر نیز بینی کفار و منافقان و فاسقان را به خاک مالیده از مکر و نیرنگ آنان در امان می ماند. سلامت دنیا و آخرت، ثواب مضاعف و اجر فراوان از دیگر فواید اجرای امر به معروف و منکر است. علاوه بر آن، حضرت امر به معروف و نهی از منکر را معیار سنجش اعمال و نیز شایسته و سزاوار مسابقه و رقابت می دانند.

همچنین، امام علی علیه السلام، با نگاهی به ماهیت و کارکرد دین، می فرماید: «غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۳۷۴) غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود است. این رویکرد نیز گواه آن است که حضرت نهی از منکر چونان فریضه‌ای در کنار سایر فوایض نمی نگرند، بلکه آن را اساس، ریشه و بنیاد همه فرایض و برترین فریضه می شناسند و مهم ترین کارکرد دین را چیزی جز همین امر و نهی برای اقامه معروفها و حدود و محو منکرها نمی دانند. (پاکیزه، ۱۳۹۵: ۹۷).

عامل بودن امر و ناهی، سازش ناپذیری و بی توجه بودن به ملامت دیگران در راه اجرای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، از خصوصیات بارزی هستند که از دیدگاه امام علی علیه السلام، لازم است امر و ناهی آنها را مراعات کند. مراتب سه گانه‌ی امر و نهی (قلبی، لسانی، یدی) و ارزش و اعتبار یکی از آنها به خوبی در کلام علی علیه السلام، مورد توجه و عنایت قرار گرفته و در این میان، مرتبه‌ی اول، که اساس و مبنای دیگر مراتب است، بیشتر مورد اهتمام آن حضرت قرار گرفته است و از دیدگاه امام، کسی که نهی از منکر را در مرتبه قلبی ترک نماید، مرده‌ای در بین زندگان است.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

با اندکی دقت در آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر این حقیقت ثابت می شود که اهمیت این دو فریضه از همه فرایض و واجبات الهی بیشتر است. در آیه ۱۱۰ آل عمران می فرماید: شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شدید که امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید. در این آیه خداوند، ملاک برتری و شرافت امت اسلامی بر سایر امتها را در سه خصلت می داند: (۱) انجام امر به معروف (۲) نهی از منکر (۳) ایمان به خداوند. از آیه استفاده می شود که اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از نماز و روزه و حج و جهاد... بیشتر است زیرا هیچ یک از اینها ملاک برتری امت اسلامی به حساب نیامده است. البته باید توجه داشت برتری امت اسلامی تا زمانی است که به این وظیفه عمل کنند چون امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا شرط و علت شرافت و برتری است و بدیهی است با انقضا و زوال این صفات مزیت و شرافت امت اسلامی نیز زائل می گردد. در آیه، امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم شده با آنکه ایمان پایه و اساس این دو واجب است. در علت تقدم این دو بر ایمان نکاتی بیان شده:

الف - تقدم این دو واجب بیانگر عظمت و اهمیت آنان است.

ب - امر به معروف و نهی از منکر ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی است و ضامن اجرا عملاً بر خود قانون مقدم است.

ج - کوتاهی در این وظیفه بیانگر کوتاهی در امر ایمان است. اگر این وظیفه عملی نشود ریشه‌های ایمان در دلها نیز سست می گردد. در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران فرموده: باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند. بسیاری از مفسرین فرموده‌اند این آیه دلالت بر جایگاه عظیم و رفیع امر به معروف و نهی از منکر دارد چون خداوند مالک سعادت انسان را در انجام این وظیفه دانسته است.

عواقب بی‌اعتنایی به امر به معروف و نهی از منکر

ترک این مسئولیت مهم اجتماعی پیامدهای در پی دارد که فرد و جامعه از آن در امان نخواهند ماند. این عواقب را در دو زمینه فردی و اجتماعی می‌توان مورد بررسی قرار داد.

الف) پیامدهای فردی

وارونه شدن شخصیت فرد

آثار منفی ترک این فریضه، در مرحله اول در خود تارک امر به معروف ظاهر می‌گردد و شخصیت انسانی و ارزش‌های والای اخلاقی را از او می‌ستانند، به تعبیر امیر مؤمنان (ع):

فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَعْرُوفًا وَلَمْ يُنْكِرْ مُنْكَرًا قَلِبَ فَجَعِلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ أَسْفَلُهُ أَعْلَاهُ (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۵).

آن کس که (حتی) با دل کار شایسته را نشناخت و ناشایسته را انکار نکرد (قلبش) وارونه گشته و بالایش پایین، و پایینش بالا شده است (استحاله شده و حقایق را به درستی درک نمی‌کند).

«قلب» و «واژگونی» شخصیت انسان بر اثر ترک نهی از منکر، نکته‌ای نیست که به سادگی بتوان از آن گذشت.

بسیار شنیده‌ایم که می‌گویند انسان باید از لاک خودپرستی خارج شود. خارج شدن از لاک خودپرستی، دارای مراحل است که اولین مرحله آن «غیر دوستی» است. کودک در دوران طفولیت، فقط خود را می‌بیند و همه چیز را برای خود می‌خواهد و حتی به پدر و مادر هم به چشم وسیله و ابزاری برای خودش نگاه می‌کند. سپس در دوران جوانی، با انتخاب همسر به شخص دیگر نیز علاقه پیدا می‌کند. یعنی از خود درمی‌آید و خودش و او یکی می‌شوند و همه چیز را برای این «خود بزرگتر» می‌خواهد. این اولین مرحله‌ای است که انسان از «لاک خود» خارج می‌شود. به همین دلیل ازدواج با اینکه امری غریزی است، در اسلام جنبه اخلاقی دارد و در معنویت انسان تأثیر می‌گذارد. ولی این مقدار از توسعه که همسر و فرزند را در برمی‌گیرد، کافی نیست. پس از آن برای برخی «خود قبیله‌ای و قومی» مطرح می‌شود، که اصول انسانی مثل گذشت، احسان و ایثار را در محدوده قبیله و قوم محدود می‌کنند. همان چیزی که برخی از آن به «خود ملی» تعبیر می‌کنند. در مرحله بالاتر روح انسان توسعه می‌یابد و خود را در همه انسان‌ها ساری و جاری می‌بیند، خیانت را به انسانی روا نمی‌داند، و کمال را برای همه آرزو می‌کند، درد دیگران را درد خود می‌داند (برزگر، ۱۳۸۵: ۲۵۴).

با چنین روحیه‌ای است که به کمک دیگران می‌شتابد و در فکر نجات آنها برمی‌آید. پیامبران الهی مظهر چنین روحیه بلندی هستند و با این محرک قوی به خداوند نزدیک می‌شوند و پس از آن درصدد به حرکت درآوردن انسان‌ها به سوی کمال بر می‌آیند. در این حالت است که انسان «بسط شخصیت» پیدا می‌کند و جانش با جان‌ها یکی می‌شود و همه را دربر می‌گیرد و از غم انسان‌ها رنج می‌برد (حاجیان، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ... (سوره توبه، آیه ۱۲۸).

رسولی از شما برای شما آمده که سختی‌های شما برای او گران است، برای نجات شما حرص می‌ورزد.

تا جایی که از غم مردم تا سرحد فدا شدن پیش می‌رود:

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا (سوره کهف، آیه ۶).

شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه در پیگیری آکار[شان تباه کنی.

این بیان نشان می‌دهد که نهی از منکر ریشه در چه ابعادی از شخصیت انسان دارد و آنان که چنین روح بلندی در کالبدشان دمیده شده است، در مقابل انحراف دیگران نمی‌توانند ساکت و بی‌تفاوت بمانند.

پس، از آنکه معروف را نمی‌شناسد و نمی‌پسندد و ترویج نمی‌کند و به انکار منکر نمی‌پردازد، هنوز از دایره «خودپرستی» خارج نشده است و بهره‌ای از کمالات انسان نبرده، بلکه یک انسان وارونه است.

شریک شدن در گناه گناهکاران

سکوت نسبت به انجام معاصی و ترک واجبات به معنای رضایت نسبت به آن وضع است و فرد برای اینکه نارضایتی خود را نشان دهد، باید به هر صورت ممکن که است تنفر و نارضایتی خود را از آن وضع اعلام و ابراز کند و اگر می‌تواند در اصلاح آن وضع بکوشد. کسانی که توان اظهار تنفر و اقدام اصلاحی دارند و اقدام نمی‌کنند، با ترک این وظیفه در گناه گناهکاران شریک شده و عذاب دنیایی اگر نازل شود، آنان را نیز فرا می‌گیرد.

در قصه «اصحاب شنبه»، قرآن جریان قومی از یهود را یادآور می‌شود که حرمت روز شنبه را رعایت نکردند. مؤمنانی که در این طغیان شرکت نکردند، دو گروه بودند؛ گروهی که ضمن حفظ خود از گناه، دیگران را نیز نهی می‌کردند، و گروه دیگری که فقط خود حفظ حرمت می‌کردند و در مقابل عمل طغیان‌گرانه دیگران سکوت پیشه ساختند. وقتی عذاب نازل شد، گروه تارک نهی از منکر را نیز فرا گرفت:

فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (سوره اعراف، آیات ۱۶۶-۱۶۵).

پس هنگامی که اندرزی که به آنان داده شده بود، فراموش کردند، نهی‌کنندگان را از خطر و عذاب نجات دادیم و ستمگران را به خاطر فسق و گناهی که مرتکب شدند به عذابی سخت گرفتیم و آن هنگام که از آنچه نهی شدند، تجاوز کردند (و مرتکب منهی شدند) به آنان گفتیم: به شکل میمون‌های طرد شده درآید.

با توجه به این آیات معلوم می‌شود که نجات یافتگان از نابودی دنیوی فقط ناهیان از منکر بوده‌اند و بقیه تارکان نهی از منکر و متجاوزان به حرمت، نابود شده‌اند. البته این آیه بعد نیز دلالت دارد که عذاب مسخ فقط شامل متجاوزان شده است.

از امام محمد باقر علیه السلام نیز نقل شده که خداوند به حضرت شعیب وحی فرمود:

یکصد هزار نفر از قوم تو را عذاب می‌کنم که چه هزار نفر آنان معصیت کار و شصت هزار نفر بقیه نیکوکارند!
شعیب (ع) عرض کرد:

خدایا این عده (چهل هزار نفر) اشرارند (و مستحق عقوبت) اما گناه نیکان چیست؟
خداوند فرمود:

أَنَّهُمْ دَاهَنُوا أَهْلَ الْأَعْمَاصِي وَ لَمْ يَغُضُّوا لِعَظْبِي (فیض کاشانی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۸۷).
آنان با اهل معصیت سازش‌کاری کردند و به خاطر غضب من، غضب نکردند.

محروم شدن از درجات عالی اخروی

مؤمنانی که از انجام این وظیفه مهم شانه خالی می‌کنند، روز قیامت به کیفر ترک این وظیفه از رسیدن به درجات عالی محروم خواهند شد و حال آن که اگر این وظیفه را انجام می‌دادند و علاوه بر حفظ خویش، نسبت به حفظ دیگران احساس مسئولیت می‌کردند، با اولیا و مقربان درگاه خدا محشور می‌شدند. امام علی (ع) در بیانی دردمندانه می‌فرماید:

فَأَنَا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ظَهَرَ الْفَسَادُ فَلَا مُنْكَرَ مُعَيَّرٍ وَ لَا زَاجِرَ مُزْدَجِرٍ أَ فَبِهَذَا تُرِيدُونَ أَنْ تُجَاوِرُوا اللَّهَ فِي دَارِ قُدْسِهِ وَ تَكُونُوا أَعَزَّ أَوْلِيَاءِهِ عِنْدَهُ هَيِّهَاتَ لَا يَخْدَعُ اللَّهُ عَنْ جَنَّتِهِ وَ لَا تُنَالُ مَرْضَاتُهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹).

نتیجه گیری

آنچه در این سطور در پی تقریرش بودیم، اثبات توانایی و انسجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر برای طرح در عرصه اجتماع و به کارگیری آن به مثابه ابزاری برای کنترل حکومت، گسترش خوبیها و جلوگیری از مفاسد کلان اجتماعی، سیاسی است. این ظرفیت در سایه نحوه نگرش و نوع تبیین، به محاق رفته و به مصادیق جزئی و کوچک خلاصه شده و بر همین سیاق، روش‌های اجرای جمعی آن نیز مطرح نگردیده است. اس طرح امر به معروف و نهی از منکر در بستر اجتماع و خوانشی نو از شرایط آن، تکلیفی اجتماعی را بر عهده مکلفین قرار می‌دهد. وظیفه آگاهی یافتن از مسائل سیاسی، تشکیل اجتماعات برای اجرای این فریضه و تلاش برای فراهم آوری مقدمات کسب قدرت، که همگی آنها امروزه به منزله کارکردهای احزاب محسوب می‌شود. بدین ترتیب برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر در موضوعات اجتماعی و سیاسی، می‌توان (باید) اقدام به تأسیس حزب کرد. احزابی اسلامی که از سر تکلیف و باهدف سالم سازی اجتماع و سیاست از مفاسد ریز و درشت شکل گرفته‌اند.

از دیدگاه فقهای شیعه، فریضه امر به معروف و نهی از منکر تنها در تذکرات افراد عادی نسبت به بعضی گناهان جزئی خلاصه نمی‌شود، بلکه قیام بر ضد حکومت ستمگر و تلاش برای اصلاح ساختار سیاسی جامعه و تشکیل حکومتی بر اساس حق و قرآن نیز از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. هرگاه در جامعه ای این فریضه مهم اجرا نشود و افراد در قبال پیاده شدن این امر خطیر احساس مسئولیت نکنند، مرگ آن جامعه حتمی خواهد بود. پس از رحلت پیامبر (ص)، به این تکلیف مهم آن چنان که شایسته بود عمل نشد و در نتیجه دین به ضعف گرایید و فاسقان و فاجران بر اوضاع مسلط شدند. در چنین شرایطی امام حسین (ع) برای برپایی این عنصر اساسی دست به قیام زد.

فقها معتقدند که ماهیت امر به معروف و نهی از منکر به پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد و بهترین آثار آن نیز در اجتماع انسانی خود را نشان می‌دهد به طوری که حضرت علی (ع) در حکمت ۳۷۴ نهج البلاغه می‌فرماید: « تمامی اعمال ارزشمند، حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست » که به عنوان اصل در نظارت همگانی یا ضمانت اجرای احکام اسلامی مطرح می‌شود. خداوند سبحان علاوه بر اینکه همه پیش‌بینی‌های لازم را برای اجرای احکام نورانی اسلام مشخص فرموده است، نظارت بر اجرای آن را به عهده خود افراد جامعه اسلامی نهاد تا هر مسلمانی با امر به معروف و نهی از منکر در اجرای صحیح احکام اسلام کمک و مساعدت لازم را معمول دارند. حضرت امام محمد باقر (ع) در این باره می‌فرماید: « امر به معروف . نهی از منکر راه پیامبران و روش صالحان است، فریضه بزرگی که به سبب آن واجبات برپا می‌شود

ب) پیامدهای اجتماعی شیوع مفاسد

پیامبر اکرم می‌فرماید:

إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ يَضُرْ إِلَّا عَامِلَهَا، وَفَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ أُضْرَتْ بِالْعَامَّةِ (حر عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱۱: ۴۰۷).

اگر بنده‌ای پنهانی و مخفیانه گناه کند، تنها به خود ضرر می‌رساند، ولی اگر همان گناه را آشکار انجام دهد و دیگران جلوی آن را نگیرند، به همه ضرر می‌رساند.

انسان هم از اجتماع و افراد دیگر هم تأثیر می‌پذیرد و هم بر اجتماع و افراد دیگر تأثیر می‌گذارد. این تأثیر و تأثر، هم در جهت خوبی‌هاست و هم در جهت بدی‌ها. بنای اسلام بر آن است که محیط جامعه، پاک باشد و گناه و فحشا وجود نداشته باشد یا حداقل پیدا نباشد و در مقابل، تقوا و پاکی و خوبی در جامعه ظهور داشته باشد تا افراد در جوی آرام و محیطی پاک رشد یابند و ناپاکی‌های روحی و روانی، زمینه رشد پیدا نکنند. دعوت اسلام به پوشاندن گناهان افراد و مبارزه با غیبت و افشا کردن گناهان در همین راستاست. پوشاندن گناه یعنی جلوگیری از گسترش دایره فساد گناه و محدود کردن آن شخص گناهکار، و افشا کردن گناه یعنی کمک به گسترش دادن دایره فساد و گناه و دعوت دیگران به انجام آن.

قرآن کسانی را که به زنان پاکدامن تهمت زنا می‌زنند و این تهمت را در جامعه منتشر می‌کنند، جزو کسانی دانسته که «دوست دارند فساد و فحشا در بین جامعه مؤمنان رواج یابد.» (سوره نور، آیه ۱۹).

امام صادق (ع) در ذیل این آیه می‌فرماید:

قرآن کریم در آیات فراوانی به سرگذشت اقوام گذشته اشاره کرده و رواج گناه و ظلم و ستم را عامل عذاب آنان می‌شمارد. با دقت و توجه در این آیات در می‌یابیم که رواج گناه در جامعه، باعث نزول بلای آسمانی و هلاکت است. آنها که در مقابل فساد و گناه بی‌تفاوت نباشند و به نهی از منکر بپردازند، از عذاب و هلاکت نجات می‌یابند (سوره اعراف، آیه ۱۶۵). فلسفه یادآوری فراوان سرنوشت اقوام گذشته برای آن است که امت اسلامی در برابر شیوع گناهان در جامعه بی‌تفاوت نباشند و با احساس مسئولیت، در برابر گناهکاران بایستند.

زوال نعمت‌ها و برکات

فراگیر شدن مفاسد در جامعه، نه تنها موجب انقراض تمدن‌ها، از بین رفتن ملت‌ها و زوال نعمت‌ها می‌گردد، بلکه شیوع هر گناه اثر خاصی در پدید آمدن یک مصیبت و گرفتاری در سطح جامعه دارد، که این بلا، کیفر دنیوی آن گناه است. امام محمد باقر (ع) از رسول خدا (ص) روایت می‌کند که فرمود:

اگر به پنج چیز برخورد کردید از آنها به خدا پناه برید، زیرا:

در جامعه‌ای که فحشا علنی نمی‌شود، مگر آن که طاعون و بیماری‌های جدیدی که در گذشتگان سابقه نداشته، پدیدار می‌شود.

کم‌فروشی نمی‌کنند مگر آن که به قحطی مبتلا شوند، مخارج زندگی برایشان سنگین گردد و حکام بر آنها ستم خواهند کرد.

زکات نمی‌پردازند، مگر آن که از باران محروم می‌شوند، و اگر چهارپایان نبودند به طور کلی باران نمی‌بارید.

عهد و پیمان خدا و پیامبر (ص) را نقض نمی‌کنند، مگر آن که خداوند، دشمن را بر آنها مسلط می‌کند، تا اموال و سرمایه‌شان را بگیرد.

بر غیر دستور خدا حکم نمی‌کنند، مگر آن که خداوند سختی و دشواری در جامعه آنها قرار می‌دهد (حر عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱۱: ۵۱۳-۵۱۲).

پس همان طور که برای حوادث، علل و عوامل مادی وجود دارد، علل و عوامل دنیوی نیز می‌تواند وجود داشته باشد و همانطور که رفتار نیک انسان‌ها می‌تواند زمینه نزول برکات بیشتر از سوی خداوند را فراهم آورد، اعمال ناشایسته هم می‌تواند زمینه زوال آنها را به وجود آورد:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (سوره اعراف، آیه ۹۶).
اگر ملت‌ها ایمان آورده و تقوا داشتند، برکات آسمان‌ها و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی آن‌ها تکذیب کردند ما هم به واسطه رفتارشان آنها را مؤاخذه کردیم.

در اینجا مناسب است با دلیل این «سنت الهی» از زبان علامه طباطبایی آشنا شویم:

جهان هستی با اجزای گوناگون آن، واحدی به هم پیوسته است که مانند اعضای یک بدن، بیماری و صحت هر عضو در دیگری تأثیر دارد و در مجموع، دارای هماهنگی و همکاری می‌باشند. این واحد به هم پیوسته آن گونه که قرآن کریم بیان کرده است، در چپتی که خداوند برایش مقدر فرموده، در حال تکاپو و پیشروی است، و اگر از مسیر صحیح منحرف شود. اثر آن در دیگر اجزا نیز ظاهر می‌شود و چنانچه این انحراف استمرار یابد و از آن جلوگیری نشود، نه تنها خود آن بخش، از گردونه تکامل و ترقی خارج می‌شود، بلکه اسباب دیگری که با او در پیوند و ارتباطند دچار مشکل و گرفتاری می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۱۹۶-۱۹۵).

این سنت الهی، شامل انسان نیز می‌شود و هیچ کسی از آن استثنا نشده است. از این رو، اگر امتی از مسیر فطرت و سعادت انسانی که در متن آفرینش برای او قرار داده شده منحرف شود، این فساد، آثار مخربی در اسباب مرتبط با او خواهد داشت و در نتیجه باعث بروز اختلاف و درگیری در جامعه، به هم خوردن روابط سالم اخلاقی، از دست رفتن عواطف و وقوع حوادث طبیعی از قبیل خشکسالی، سیل، صاعقه، قحطی، زلزله و... می‌شود، تا انسان را از غلغله به هوشیاری وادارد و او را به مسیر فطری باز گرداند. در این آیه تأمل کنید که خداوند می‌فرماید:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (سوره روم، آیه ۴۱).

فساد در دریا و خشکی و به واسطه آنچه مردم انجام می‌دهند پدید آمد تا خداوند مقداری از کیفر آنچه را انجام می‌دهند بدان‌ها بچشاند چه بسا که برگردند.

از این آیه استفاده می‌شود، گناهی که مردم انجام می‌دهند، باعث فساد در خشکی و دریا می‌شود، چه فسادهایی که در ارتباط با انسان است، مثل پیدایش جنگ و از بین رفتن امنیت و چه فسادهایی که در ارتباط با انسان نیست، مثل تغییر اوضاع جوی و طبیعی به گونه‌ای که به انسان آسیب می‌رساند.

این حقیقت به گونه دیگری در آیه زیر نیز آمده است:

وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (سوره شوری، آیه ۳۰).

هر مصیبتی که به شما می‌رسد، به واسطه اعمالی است که انجام می‌دهید و خداوند از کیفر بسیاری از اعمالتان می‌گذرد.

آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (سوره رعد، آیه ۱۱). نیز ناظر بر همین قانون کلی است.

آری، چه بسیار امت‌هایی که نعمت‌های بسیار داشتند، ولی ظلم و گناه در بین آنان رواج پیدا کرد و در پی آن بلاهای زمینی و آسمانی بر آنان نازل شد. داستان قوم «سبا» تابلوی عبرت‌انگیزی از این دست است. این قوم از نعمت‌های بی‌شمار خداوند بهره‌مند بود، زمین‌های کشاورزی حاصلخیز در شرق و غرب سرزمین‌شان به وسیله سد مارب سیراب می‌شد و محصول فراوان می‌داد. تا شهرها و روستاها آباد بود. ولی این قوم از شکر خدا روی برتافتند، کفر ورزیدند، به خود ظلم کردند و پیرو شیطان شدند، در نتیجه سیل ویرانگر سدشان را شکست و محصولات و زمین‌هایشان را از بین برد و شهرهایشان را ویران ساخت.

نتیجه گیری

نکته‌ای که از آیات و روایات در خصوص عواقب نهی از منکر فهمیده می‌شود این است که با ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ اعتقادات مذهبی اعضا جامعه رو به سستی گذاشته و در آن حد کاهش می‌یابد که عده زیادی از اعضا جامعه دیگر دلیلی برای کنترل خود و پرهیز از گناه نمی‌بینند. بدین ترتیب جامعه در معرض خطر انهدام روبرو می‌شود. به عبارتی دیگر ترک امر به معروف و یا تضعیف آن در جامعه خطری خانمان برانداز است، در نتیجه ترک امر به معروف و نهی از منکر سیل انجام منکرات در جامعه آغاز می‌شود. و این به نوبه خود تمام بخشهای جامعه را تهدید می‌کند. به عبارت دیگر ترک این فریضه موجب خواهد شد که حساسیت انجام منکرات نزد افراد جامعه پایین آمده و کم‌کم اعتبار شرعی و قانونی را نزد مردم از دست بدهند. وقتی راههای انجام و ارتکاب منکرات در جامعه هموار شد، موجب خواهد شد که پایبندی‌های مذهبی و تعهدات اخلاقی انسانها کم رنگ تر شود، انواع انحرافات و منکرات و کارهای خلاف و نامشروع در جامعه روی دهد،

سپس این انحرافات گسترش یافته و به هنجار تبدیل شوند و تمام شئون جامعه را فرا گیرند و در نتیجه ریشه‌های نظام اجتماعی را از بین ببرند. تحت این شرایط پایه‌های اخلاقی متزلزل و هر نوع کوشش و فعالیت توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بی معنا و بی نتیجه می‌شود.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن.
- [۲] نهج البلاغه.
- [۳] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ ق)، المفردات فی غریب القرآن، مصر: دفتر نشر الكتاب.
- [۴] طباطبایی فر، سیدمحسن (۱۳۹۰)، «امر به معروف و نهی از منکر در فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۵۴.
- [۵] موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۴) صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)
- [۶] موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۲) شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ هفتم، تهران: عروج.
- [۷] ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶). لسان العرب. ج ۵ و ۶. بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- [۸] حسینی حائری، سید کاظم (۱۴۳۷). منهاج الصالحین. ج ۲. بغداد: دارالرساله.
- [۹] حلی، نجم الدین (۱۴۰۸). شرائع الاسلام. ج ۲. قم: موسسه اسماعیلیان.
- [۱۰] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: الدار الشامیه.
- [۱۱] صدر، سید محمد (۱۴۲۰). ماوراء الفقه. ج ۶. بیروت: دارالأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
- [۱۲] طباطبایی حکیم، سید محمد سعید (۱۴۱۵). منهاج الصالحین. ج ۲ و ۳. بیروت: دارلصفوة.
- [۱۳] طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۲۶). مبانی منهاج الصالحین. ج ۱۰. قم: منشورات قلم الشرق.
- [۱۴] طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۵] طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸). الوسيلة إلى نيل الفضيلة. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
- [۱۶] موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسيلة. ج ۲. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
- [۱۷] موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). موسوعة الإمام الخوئی. ج ۷. قم: موسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
- [۱۸] نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام. ج ۳۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۱۹] هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۳۳). منهاج الصالحین. ج ۲. قم: موسسه الفقه و معارف اهل البيت (ع).